

توسعه اقتصادی - اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی

محمد فرهادی^۱

علی کاظمی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت انتخاباتی اقوام ترک، کرد و بلوچ است. چارچوب نظری راهنمای تحقیق، رویکرد لیپست درباره تحلیل اثر توسعه اقتصادی بر دموکراتیزاسیون و نظریات صاحب نظران معاصر از جمله آلموند و وربا و جیل درباره اثر فرهنگ بر دموکراسی استوار است. در این راستا براساس استدلال پژوهش، اقوام در ایران متأثر از شاخص‌های متعدد است؛ بنابراین برای تحلیلی جامع از اقوام، ناگزیر از توجه همزمان به عناصر فرهنگی و اقتصادی و تناظر و تعامل آنهاست. از این دیدگاه، در نقش فرضی متهورانه، عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت در انتخابات را در پرتو عوامل فرهنگی بازخوانی و تفسیر می‌کند.

روش تحقیق بر تفکر آزمایش (مشاهده-دخالت-مشاهده) مبتنی است. بر مبنای نتیجه پژوهش، توسعه اقتصادی نزد ترک‌ها و کردها با مشارکت ارتباط دارد؛ اما متأثر از عوامل فرهنگی، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. بنابراین مشارکت اقوام را باید با زمینه‌های قومی وارد شده در آن تفسیر و فهم کرد. نزد بلوچ‌ها ارتباطی بین مشارکت و عامل توسعه اقتصادی مشاهده نشد، بلکه الگوی کنش این قوم بیشتر متأثر از شاخص‌های فرهنگی (مذهبی) است. بر مبنای نتیجه‌گیری پژوهش می‌بایست به اهمیت فرهنگ در تحلیل مسائل قومی ایران بیشتر توجه کرد.

واژه‌های کلیدی: شاخص‌های فرهنگی، عوامل اقتصادی، قوم و قومیت، مشارکت در

انتخابات.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه (نوسینده مسئول)، m.farhadei@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، kazemiali2010@yahoo.com

مقدمه و طرح موضوع

ظهور دولت - ملت و پدیده‌های متناظر با آن از جمله تمرکز قدرت و مرزبندی‌های سیاسی، مسائل تازه‌ای به‌بار آورد که چگونگی پراکندگی قدرت و مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی، از مهمترین آنها بود؛ و بسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر یک از قلمروهای سرزمینی، شکلی متفاوت به‌خود گرفت. به‌منظور کاوش ابعاد و چگونگی دخالت دسته‌بندی‌های فروملی به مفهوم «مشارکت سیاسی» و دامنهٔ مباحث آن توجه شده است و شرکت در انتخابات برای گزینش رهبران سیاسی یکی از شاخص‌های پایدار مشارکت در سیاست تثبیت شد (دال، ۱۹۷۱: ۳). در جستجوی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی به دسته‌ای از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است.^۱

با توجه به اهمیت فرهنگ در مشارکت سیاسی، گروه‌بندی‌های فرهنگی از جمله اجتماعات هویتی نظیر قومیت نیز به تبع آن بیان و بدان به مثابهٔ عاملی ایدئولوژیک در تبیین مشارکت سیاسی توجه شد (ملشوئیچ، ۲۰۰۶: ۱۳). بر این اساس اقوام، یکی از گروه‌بندی‌های فروملی است که در نقش پدیده‌ای اجتماعی مفهوم مشارکت سیاسی را دگرگون کرد و ابعاد آن را معنا بخشید.

در ایران نیز همزمان با تشکیل دولت - ملت، اقوام در نقش اجتماعی هویتی در مناسبات سیاسی به نقش‌آفرینی پرداختند که شرکت در انتخابات از بارزترین آنهاست. علل و دلایل شرکت اقوام در انتخابات و سمت‌وسوی انتخاب جریان‌های مختلف سیاسی، از اولویت‌های پژوهشی در این زمینه است. بر این قیاس، هدف این پژوهش بررسی اثر عوامل اقتصادی - اجتماعی و هویتی بر رفتار انتخاباتی اقوام در ایران است.

برای این منظور میزان مشارکت اقوام در دو انتخابات ریاست‌جمهوری نهم و دهم با شاخص‌های هویتی و سطح توسعهٔ اقتصادی آنها بررسی شد. آنجا که برخی شکاف‌های اجتماعی دربارهٔ برخی اقوام با شکاف مذهبی همراه شده است، چنین موضوعی ابعاد گوناگون و

۱. عوامل اقتصادی - اجتماعی و اثر آن بر مشارکت سیاسی، پنهان یا آشکار در همهٔ نظریات عاملی مهم فرض شده است (لیپست، ۱۹۶۳؛ لوئیس، ۱۹۶۲؛ آدرنو، ۱۹۵۰؛ لرنر، ۱۹۵۸ نقل شده در کریشنا، ۲۰۰۸: ۴-۵) برخی دیگر عوامل اقتصادی - فرهنگی را نیز عاملی تعیین‌کننده در مشارکت سیاسی می‌دانند (آلموند و وربا، ۱۹۶۵؛ پای، ۱۹۶۶ در گیلوت، ۲۰۰۵: ۱۰۹-۱۱۰).

پیچیده‌ای دارد؛ بنابراین نسبت میان میزان مشارکت و توسعه‌یافتگی در سایه موضوعات فرهنگی و هویتی بازخوانی و فرض اولیه پژوهش با دقت بررسی می‌شود. انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل گستره ملی، یگانه فرصت اظهارنظر اقوام و گروه‌بندی‌های فرهنگی است. بنابراین داده‌های آن تناسب بیشتری با هدف این پژوهش دارد. انتخابات مجلس به دلیل دخالت متغیرهای محلی و درون‌گروهی تاب تحلیل فرض اساسی این پژوهش را ندارد؛ در نتیجه برای فراهم کردن امکان مقایسه، میزان مشارکت در دو انتخابات نهم و دهم ریاست‌جمهوری بررسی شد. بر اساس مبانی نظری برگرفته از این پژوهش انتخابات دوره‌های نامبرده گزینش و بررسی شد. بر این اساس مشارکت در انتخابات نهم واکنش به دولت دوم اصلاحات و مشارکت در انتخابات دهم واکنش به دولت اول اصول‌گرایی به‌شمار می‌رود. به علت تفاوت موجود بین اهداف دو دولت درباره مناسبات اقتصادی و قومی، این دو دوره با هدف تحلیلی پژوهش برای مقایسه تناسب بیشتری دارند.

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از مهمترین سازوکارهای نظام‌های سیاسی معاصر و بر همین اساس مهمترین مفهوم جامعه‌شناسی سیاسی است. بسته به زمینه بحث، تلقی‌های متفاوتی از مشارکت سیاسی به‌دست می‌آید.

گروهی از اندیشمندان، مشارکت سیاسی را «مخصوص انتخاب رهبران سیاسی» (آبرکرامبی، ۱۳۶۷) دانسته‌اند. عده‌ای با برداشتی گسترده‌تر، «درگیری فرد در فراگردهای سیاسی در سطوح مختلف از بی‌تفاوتی سیاسی، گفت‌وگوی سیاسی، شرکت در نشست‌های سیاسی تا رأی‌دادن و پذیرش مقام در یک حزب و تلاش برای کسب قدرت» (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳) را از گونه‌های مشارکت سیاسی دانسته‌اند.

از دیدگاهی دیگر، برخی مشارکت در فعالیت‌های اعتراض‌آمیز مانند تظاهرات، اعتصابات، جنبش‌های اجتماعی، عضویت در حزب تا شرکت در انتخابات عمومی و پذیرش مقام محلی و ملی را گونه‌هایی از مشارکت سیاسی دانسته‌اند (آتر و ترو، ۲۰۰۴: X). بر این اساس شرکت در انتخابات یکی از فعالیت‌های مهم مشارکت سیاسی است و همه تعاریف آن‌را به این معنی پذیرفته‌اند. بدین ترتیب در تلفیق تعاریف، مشارکت سیاسی کنشی آگاهانه، داوطلبانه و اختیاری برای گزینش رهبران به منظور اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی و

سرنوشت خود ارزیابی می‌شود که «یکی از شاخص‌های اساسی دموکراسی است و کالاهای سیاسی جمعی را مدنظر دارد» (هاردین، ۲۰۰۱: ۴۸۶).

نظریه‌های مشارکت سیاسی نیز با قیاس تعاریف، گونه‌های مختلفی دارد و هر یک از صاحب‌نظران به تناسب آبخور فکری خود برخی شاخص‌ها را مهم‌تر دانسته‌اند. در رویکردهای مهم‌تر، ویژگی‌های متناسب با مدرنیته مانند شهرنشینی، افزایش سطح سواد و استفاده از وسایل ارتباط جمعی از عوامل مهم همبسته با مشارکت سیاسی ارزیابی شده‌اند. از آن جمله به الگوی لرنر^۱ اشاره می‌شود که افزایش شهرنشینی و تراکم مادی و اخلاقی را عامل مشارکت می‌داند (لرنر، ۱۹۵۸: ۵۰).

لیپ‌سیت^۲ از دیگر متفکرانی است که مشخصاً بر اهمیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در تعیین مشارکت سیاسی آنها تأکید می‌کند. محور مطالعاتی او پژوهش‌های میدانی درباره رأی‌گیری و مبارزات انتخاباتی است و برای تبیین مشارکت سیاسی، بر متغیرهای اجتماعی مانند پایگاه اجتماعی-اقتصادی و ارتباط مثبت آنها تأکید دارد. وی درباره اثر فقر بر فرآیندهای مشارکت سیاسی، معتقد است فقر به تردید و بی‌اعتمادی منجر می‌شود که این دو بنیان بسیاری از مسائل از جمله دانش‌اندوزی است. بنابراین حداقلی از امکانات اقتصادی - اجتماعی، پول و زمان کافی برای مشارکت سیاسی ضروری است که فقدان آن به دموکراسی نخبه‌گرایانه شومپیتر و نوعی اقتدارگرایی نوین منجر می‌شود (کریشنا، ۲۰۰۸: ۴). برخی مانند لوئیس حتی پیش‌تر رفته‌اند و معتقدند فقر «روش زندگی»^۳ است؛ فقرا جهان را به گونه متفاوتی درک می‌کنند و فرهنگ خاص شرایط خود را دارند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (همان). استدلال این است که توسعه اقتصادی همزمان با برخی از تحولات فرهنگی است و افراد را خطرپذیر و آماده پذیرش تغییرات می‌کند. ارزش‌های افراد دستخوش تغییر می‌شود و در عرصه فرهنگی و سیاسی اولویت‌های نوینی پدید می‌آید؛ در نتیجه آزادی و خودمختاری مناسب و خوشایند تلقی می‌شود. برخی این رویکرد را خطی و غرب‌گرایانه می‌دانند و از آن انتقاد می‌کنند (بدیع، ۱۳۷۶: ۲۸). اما دیگران نیز به استدلال اساسی آن و تأکید بر پایگاه اقتصادی - اجتماعی توجه کرده‌اند.

1 . Lerner

2 . Lipset

3 . way of life

در این پژوهش بنیادهای اقتصادی مشارکت سیاسی و اثر آن بر فرآیندهای اجتماعی مدنظر است. این تعبیر از دیدگاه تقلیل‌گرایی، اقتصادی نیست و حتی باوجود تأکید برخی بر اثر عناصر فرهنگی در مشارکت سیاسی، نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی را می‌پذیرند (وربا و نیل، ۱۹۷۲؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۵).

در تأیید دیدگاه لیپست، آلموند و وربا نیز بر اهمیت عامل اقتصادی - اجتماعی تأکید می‌کنند. با وجود اهمیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی، برخی آنرا در تعامل با سایر عناصر بااهمیت ارزیابی می‌کنند. از این‌رو و خاصه در به‌کارگیری این رویکرد دربارهٔ اقوام می‌بایست تفاوت‌های محیطی و متغیرهای تاریخی و اجتماعی را در نظر گرفت (فریدمن، ۲۰۰۰).

گیل (۲۰۰۰) با مرور انتقادات بر نظریهٔ لیپست، عامل فرهنگ را برجسته کرده و نقش جامعهٔ مدنی و ارزش‌های آنرا در پیدایش و بقای دموکراسی بررسی کرده است. در متون متأخر، دمکراتیزاسیون فرآیندی چندبعدی است که حضور همزمان عوامل متعدد برای تحلیل آن ضروری است. متعادل کردن نظریهٔ اقتصادی مشارکت، به توجه به عامل فرهنگ در کنار عوامل اقتصادی منجر شده است. از این منظر می‌توان عناصر فرهنگی دخیل در این فرآیند را به تفاوت‌های قومی نیز اطلاق کرد.

گروه‌های قومی، محصول تحولات فرهنگی - تاریخی ریشه‌داری هستند که سایر پدیده‌ها را نیز به رنگ خود در می‌آورند؛ یعنی مسائل را در سایهٔ تلقی قومی و پندار خود از جایگاه‌شان در جریان اصلی تفسیر می‌کنند. از این‌رو صرف توسعهٔ اقتصادی - اجتماعی، به مثابهٔ تنها متغیر مؤثر بر مشارکت سیاسی اقوام در نظر گرفته شود. از این دیدگاه، عناصر مربوط به توسعه نیز در سایهٔ ذهنیت قومی تفسیر شده و ویژگی قومی به‌خود می‌گیرند. فریدمن (۲۰۰۰) از جمله اندیشمندانی است که در به‌کارگیری نظریهٔ تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی اقلیت‌های قومی برخی کشورها، اثر سایر شاخص‌های قومی را در تفسیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی در نظر گرفته است. در مقام فرضی جسورانه می‌توان ادعا کرد این ارتباط دربارهٔ وضعیت اقوام و مشارکت سیاسی آنان نیز تعمیم‌پذیر است.

قوم و قومیت

اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی بسته به منظومهٔ معرفتی تبعیت‌شده، رویکردهای متفاوتی به اقوام داشته‌اند.

مارکس گروه‌بندی‌های قومی را در فراشدهای اقتصادی و اجتماعی بی‌اهمیت می‌دانست و معتقد بود این دسته‌بندی در فرآیند تحول تاریخ از بین خواهد رفت (ملشوویچ، ۲۰۰۶: ۱۶). دورکیم نیز معتقد بود در جریان تحول جامعه از مکانیک به ارگانیک، گروه‌بندی قومی اهمیت خود را از دست خواهد داد (همان، ۱۸).

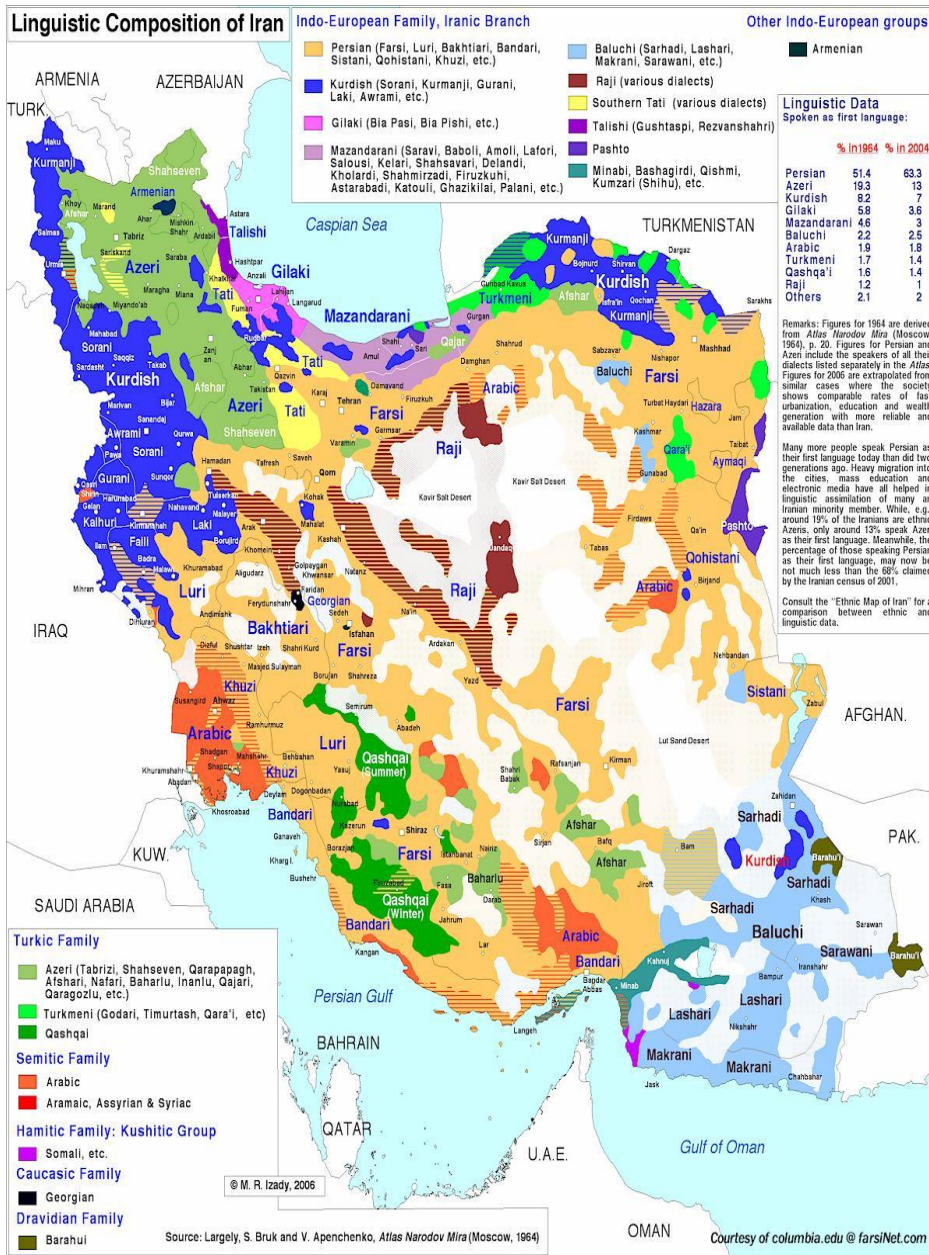
اما وبر، مشخصاً به قومیت توجه کرد و آن را گونه‌ای از گروه‌های منزلتی، مجموعه‌ی محاصره‌شده‌ی اجتماعی، نوعی سازماندهی اجتماعی و مبنایی برای بسیج سیاسی می‌داند (همان، ۲۵). از نظر وبر بنیان قومیت باور جمعی به نیای مشترک است که به شواهدی از مشابهت‌های فیزیکی یا فرهنگی متکی است (همان).

آنتونی اسمیت شش ویژگی برای یک گروه قومی برمی‌شمارد؛ نام جمعی، اسطوره‌ی نیای مشترک، تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک در میان اعضای گروه قومی - که آن‌ها را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌کند - همچنین پیوند با سرزمینی خاص و البته نوعی از همبستگی. بدین ترتیب یک گروه قومی، چارچوب متمایزی از مردم در جامعه‌ای بزرگتر است که معمولاً در یک یا چند ویژگی نامبرده از آن جامعه تفاوت دارد (مرشدی‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

ایران از دیرباز یکی از کانون‌های اصلی سکونت، تمدن‌سازی و نابودی اقوام گوناگون بوده است. تنوع آب‌وهوایی در چارچوب سرزمین ایران و حتی گاه در منطقه‌ای خاص، وجود پستی‌وبلندی‌ها و همچنین فواصل جغرافیایی زیاد بین سکونتگاه‌ها و نبود راه‌های ارتباطی هموار و در دسترس برای ساکنان مناطق مختلف ایران، از جمله عوامل طبیعی هستند که در شکل‌گیری ساختار پیچیده‌ی اجتماعی آن نقش بسزایی داشته‌اند (الطائی، ۱۳۷۸: ۱۸۴).

از ایران همواره با عنوان جامعه‌ای با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار با «ساختار موزاییک‌گونه» یاد شده است. تنوع آب‌وهوایی، پراکندگی جغرافیایی و درهم‌پیچیدگی اقلیمی (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ راوندی، ۱۳۵۷) گوناگونی قومی و زبانی و فرهنگی ناشی از آن (راوندی، ۱۳۵۷؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰)، زندگی عشایری مبتنی بر ایل و طایفه مسدود (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ احمدی، ۱۳۷۸؛ فوران، ۱۳۷۷)، گوناگونی مذهب و دین (رومینا، ۱۳۸۴؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ زیباکلام، ۱۳۷۸)، تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی (فوران، ۱۳۷۷؛ الطائی، ۱۳۷۸) از عوامل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی ایران به‌شمار می‌روند. پراکندگی زبانی کشور ایران در نقشه ۱ دیده می‌شود.

نقشه ۱. پراکندگی زبانی در ایران



چارچوب مفهومی

هدف از مرور مفصل مباحث نظری، زمینه‌سازی مفهومی برای مدعیات، توجیه مختصات تحلیلی نتایج، تعریف به‌کاررفته در مفاهیم و دقت در مرزهای عمومیت در این پژوهش است. از دیدگاه این پژوهش، قوم و قومیت تعریفی چندگانه دارد و بسته به اینکه در کدام زمینه سیاسی، فرهنگی و تاریخی به‌کار رود، تعاریفی متفاوت خواهد داشت. بر همین مبنا تعیین مرزهای دقیق یک قوم نیز مستلزم توضیح معیار به‌کاررفته است.

برای این تحقیق، قوم گونه‌ای گروه‌بندی هویتی فروملی است که اساس جهت‌گیری و کنش جمعی در وقایع ملی به‌ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری است. بر این اساس هرچه حساس‌تر بنگریم، جزئیات بیشتری در تحلیل بررسی می‌شود و قومیت‌های موجود در ایران نیز تکثیر می‌شوند. گو اینکه چنین هدفی دور از دسترس نیست؛ اما فقدان اطلاعات مربوط به مشارکت در انتخابات به تفکیک قومیت‌های زبانی یا مذهبی، همچنین فقدان اطلاعات مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی دقیق در ایران مانعی بر سر راه این پژوهش است؛ این یکی از محدودیت‌های تحقیق در مسائل قومی است.

برای حل این مانع، می‌بایست مدعیات تحقیق را بر مبنای اطلاعات موجود تنظیم کنیم که هم تحقیق امکان‌پذیر و هم نتایج به اندازه کافی معتبر باشد. بر این مبنا، سه قوم تُرک، کُرد و بلوچ را بررسی می‌کنیم؛ علت انتخاب این اقوام عبارتند از: هویت قومی و کنش جمعی آنها متأثر از هویت قومی است و سوم اینکه اطلاعات مربوط به مشارکت در انتخابات و توسعه اقتصادی - اجتماعی آنها به تفکیک موجود است. محقق به دلیل تقسیم‌بندی استانی اطلاعات در ایران، ناگزیر است مرزبندی‌های استانی را با مرزبندی‌های قومی یکسان در نظر بگیرد. این شیوه، بخشی از جمعیت اقوام این پژوهش را از تحلیل کنار می‌گذارد؛ اما به مدعیات اصلی پژوهش خدشه‌ای وارد نمی‌کند. به دلیل پراکندگی قومی، چنین جرح‌و‌تعذیلی در تعریف رفتارهای جمعی اقوام ناگزیر است بنابراین اگرچه تعاریف قومی و آمارهای بررسی شده جامع یک قوم نیست اما مانع است و می‌توان اطمینان داشت ارزیابی‌های نظری و تجربی تحقیق در این روش تأمین می‌شود.

قوم کُرد در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام پراکنده‌اند اما جز اختلافات زبانی سایر شاخص‌های هویتی، اجازه یک‌کاسه کردن آنها را نمی‌دهد. از سوی دیگر

با وجود همسانی زبان و هویت میان کردهای کردستان و آذربایجان غربی، آمارهای تفکیکی از مشارکت تُرک‌ها و کردهای آذربایجان غربی و آمارهای توسعه اقتصادی-اجتماعی در دسترس نیست؛ بنابراین برای پیشگیری از تغییر نتایج و خدشه‌دار شدن اعتبار تحلیل، کردهای آذربایجان غربی از تحلیل کنار گذاشته و استان کردستان نماینده قوم کُرد در نظر گرفته شده است.^۱ درباره قوم تُرک و عرب‌های خوزستان و ترکمانان گلستان و خراسان شمالی نیز به همین صورت است. در واقع محدودیت‌های این‌چنینی باعث شد اقوام با تعریف مشخص که دسترسی به اطلاعات تفکیکی آنها وجود ندارد، از تحلیل حذف شدند. چنان‌که فارسی‌زبانان سایر مذاهب (اقلیت‌های مذهبی مختلف) نیز شامل این حکم شده‌اند.

استان سیستان و بلوچستان نیز براساس مذهب و فرهنگ مردمان، یک قوم در نظر گرفته شده است؛ هرچند قوم بلوچ بخشی از هویت قومی این استان است اما الگوی رأی‌دهی کل این استان از یک شاخص فراگیر در کل آن حکایت دارد. همین نتیجه درباره کردستان نیز درست است؛ با وجودی که بخشی از ساکنان شرق آن شیعه هستند در مشارکت سیاسی هم‌نوا با هویت قومی استان رفتار می‌کنند. از این توضیحات دیدگاهی کلی برمی‌آید که هویت قومی امری سیال است و بسته به زمینه تحلیل، معیارهای آن تغییر می‌کند.^۲

همچنین مجموعه این دلایل از دیگر معیارهای انتخاب این اقوام، سابقه فعالیت‌ها و تحرکات قومی و بسامد آن در مناسبات سیاسی و فرهنگی ایران است که پژوهش‌های پیشین نیز مؤید آنست.^۳ بدین ترتیب هدف این پژوهش، فروتنانه و محدود به بررسی نسبت توسعه اقتصادی - اجتماعی سه قوم تُرک، کُرد و بلوچ با میزان مشارکت سیاسی آنها در انتخابات ریاست‌جمهوری است.

معیارهای تعریف و انتخاب اقوام، تفهیم شد. مشارکت سیاسی نیز با مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سنجیده خواهد شد. انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل بُعد ملی آن و انتخاب

۱. شایان ذکر است هدفمان تعریف هویت خالص کُرد و تعیین مرزبندی جغرافیایی آنها نیست و این نوشته در این باره ادعایی ندارد.

۲. برای نمونه تفاوت قومی درون استان سیستان و بلوچستان در انتخابات مجلس و رقابت درون‌گروهی آشکار می‌شود اما در مواجهه با مسئله‌ای کلان، این تفاوت‌ها رنگ می‌بازد.

۳. ر. ک: تحلیل گفتمان نشریات دانشجویی قوم‌گرای کشور. احسان هوشمند و محمد فرهادی. معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم. ۱۳۸۹.

رئیس دستگاه اجرایی، امکان بیشتر برای اعمال نظر در سیاست‌های مرکزی و قرابت بیشتر با اهداف مشارکت سیاسی دارد.

توسعه اقتصادی - اجتماعی در این پژوهش با عملیات عمرانی، امور زیربنایی و تسهیلات عمومی سنجش شده است. امکاناتی مانند برق و گاز و آبرسانی به شهرها و روستاها به تفکیک تعداد خانوار، ضریب نفوذ تلفن، تعداد دانشجو و فارغ‌التحصیل، کتاب و اعضای کتابخانه، تخت‌های بیمارستانی یا مراکز بهداشتی، خدمات حمایتی، راه، پل و تونل‌سازی و نرخ بیکاری بررسی و مقایسه شده است. برای فراهم آمدن امکان مقایسه، زمینه‌های همسان و تعداد، افزایش یا کاهش آن با اطلاعات جانبی و بادقت بررسی شده‌اند.

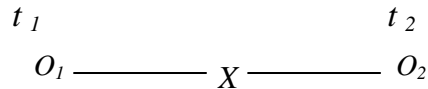
فرضیه پژوهش با اتکا بر مبانی نظری، به شباهت توسعه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت سیاسی اقوام معتقد است. ورود اقوام به تحلیل، توجه به مفاهیم فرهنگی، موقعیت تاریخی، جغرافیایی و مذهبی خاص و... هر یک در زمینه سیاسی، ایران را ناگزیر می‌کند. از این دیدگاه تناظر توسعه اقتصادی و مشارکت سیاسی در سایه زمینه‌های قومی تفسیر خواهد شد.

روش‌شناسی

روش و موضوع تحقیق مشابهند و ملزومات نظری پژوهش، الزامات روش‌شناختی آن را تعیین می‌کند. از آنجا که اساس این تحقیق بررسی سه گزینه است، روش‌شناسی آن بر مقایسه^۱ استوار است. مقایسه در روش‌های مختلف تحقیق کاربرد دارد (چپ، ۲۰۰۶: ۳۳).

با توجه به اینکه هدف این پژوهش مقایسه وضعیت‌های نامبرده در رفتار انتخاباتی قبل و بعد از تغییرات توسعه‌ای است، صورت‌بندی آن بر شکلی از آزمایش^۲ منطبق است. به دلیل فقدان کنترل محقق بر متغیرهای تحقیق و دخالت‌نداشتن در تغییرات اجتماعی، آن را شبه‌آزمایش^۳ می‌نامند. در موقعیت‌های اجتماعی که شرایط آزمایشگاهی فراهم نیست و محقق بر محرک‌های آزمایش و انتساب تصادفی آنها کنترل ندارد و امکان طرح دقیق آزمایش وجود ندارد، می‌توان از طرح‌های شبه‌آزمایشی بهره گرفت (کمپل و استنلی، ۱۹۶۳: ۳۴). بر این اساس روش این پژوهش، مقایسه به روش شبه‌آزمایشی است. اما باید توجه داشت گزینه‌ها به مثابه موضوع مستقل، در دو زمان مختلف و با خودشان مقایسه می‌شوند.

1. Comparison
2. Experiment
3. Quasi-Experiment



شکل ۱. الگوی روش تحقیق بر مبنای فکر آزمایش

این الگو از گونه‌های اولیه آزمایش است که بدون گروه کنترل می‌شود و فقط بر مبنای مشاهده یک گزینه در دو زمان مختلف است. الگوی اصیل آزمایش مبتنی بر یک گروه کنترل و یک گروه آزمایش، انتساب تصادفی آزمودنی‌ها و مداخله به همراه کنترل سایر متغیرهاست. اما چون پدیده‌های اجتماعی پس از وقوع بررسی می‌شوند امکان کنترل متغیرها و در نتیجه تعیین گروه کنترل وجود ندارد. بر این اساس الگوهای اینچنینی را شبه‌آزمایش می‌نامند. در این تحقیق مشارکت سیاسی هر گزینه در انتخابات نهم (t_1)، دیده (O_1) می‌شود. توسعه اقتصادی (X) در مدت چهار سال، عامل دخالت در نظر گرفته می‌شود و سپس میزان مشارکت آنها در دور دهم انتخابات ریاست‌جمهوری (t_2) مجدداً دیده (O_2) می‌شود. براساس الگوی پژوهش که بر روش شبه‌آزمایش استوار است و با تکیه بر سطح نظری فرضیه پژوهش آزموده می‌شود. تفاوت مقادیر مشاهده اول و دوم به (X) که توسعه اقتصادی است منتسب می‌شود. نتیجه حاصل از این تکنیک در چارچوب مفهومی و دستگاه نظری تحقیق براساس شاخص‌های قومی تفسیر شده و معنا می‌شود.

تحلیل نتایج

پیش از ورود به بررسی آمارهای موجود و مقایسه آنها برای تعیین پیشرفت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استان‌های نامبرده، توجه به نکاتی ضروری به نظر می‌رسد. اول؛ آمار برخی شاخص‌ها از سوی دو مرجع به دو صورت بیان شده است. گاهی نیز تغییر معیار اندازه‌گیری شده یک شاخص، رقم‌های غیرمنطقی تولید کرده است. از این رو مرجع ما در این مقاله سالنامه آماری استان‌هاست که سازمان مدیریت استان‌ها تولید می‌کند. دوم؛ این آمارها برای امکان مقایسه، ساده شده‌اند و حتی برخی از آنها را نگارنده گردآوری کرده است. در بررسی شاخص‌ها تلاش کرده‌ایم که از چارچوب نظری و تأکیدات آن برای انتخاب موارد مورد بررسی استفاده کنیم. بنابراین شاخص‌هایی اولویت دارد که برای شهروندان ملموس‌تر است.

سوم؛ این آمارها در هر استان با خودش مقایسه می‌شود، بنابراین امکان مقایسه استان‌ها با هم وجود ندارد. اول به این دلیل که برای مقایسه استان‌ها همسانی جمعیت، وسعت، مزیت نسبی و سایر شاخص‌ها نیاز است که درباره استان‌های نامبرده چنین نیست، دوم براساس دلیل اول، مقایسه آمارهای به‌دست‌آمده با سایر استان‌ها امکان‌پذیر نیست. مقایسه این آمار با متوسط کشوری هم راهگشا نخواهد بود، زیرا مردم این استان‌ها تغییرات استان خود را معیار قضاوت قرار می‌دهند. از این‌رو باوجود تلاش برای نزدیکی شاخص‌های بررسی‌شده استان‌ها، کاملاً برهم منطبق نیستند. بنابراین هدف پژوهش فقط مقایسه شاخص‌های هر استان در دو دوره نامبرده، با خودش و بررسی نسبت آن با میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره‌های نهم و دهم است. این پژوهش تجربی است و با شیوه‌های عام و خاص دیگر درباره هر قوم در کشور به‌دقت بررسی خواهد شد.

برای این منظور ابتدا شاخص‌های توسعه هر استان در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷ را در قالب جدول، ارزیابی می‌کنیم؛ سپس هر فرضیه را درباره هر استان جداگانه آزمایش می‌کنیم. در پایان و نتیجه‌گیری پژوهش، نقاط اشتراک و جدایی اقوام را در گزینه‌های نامبرده به‌دست خواهیم آورد.

کردستان

کردستان مرجع قوم کُرد در این پژوهش است. همه ساکنان این استان، کُرد و بیشتر آنها اهل تسنن هستند.

جدول ۱. مختصات توسعه اقتصادی - اجتماعی استان کردستان به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده
۱۳۸۷	۱۳۸۴	
۱۶	۱۱	تعداد شهرهای گازرسانی شده
۱۰۵	۲۴	تعداد روستاهای گازرسانی شده
۱۰۹۲۴۷	۸۹۲۴۵	تعداد انشعاب
۱۷۵۶۹۰	۱۳۸۵۳۰	تعداد مصرف‌کننده
۱۵۰۲	۷۸۷	مصرف گاز (میلیون متر مکعب)
۱۹۳	۱۸۹	جمع
۱۷۸	۱۷۴	تعداد کارگاه‌های صنعتی به ۱۰-۴۹ نفر
۹	۱۰	تفکیک تعداد کارگر ۵۰-۹۹ نفر
۶	۵	تعداد کارگر ۱۰۰ نفر و بیشتر

ادامه جدول ۱. مختصات توسعه اقتصادی - اجتماعی استان کردستان به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده
۱۳۸۷	۱۳۸۴	
۲۹۵۶۴	۲۴۹۴۳	تعداد کل دانشجویان
۵۵۵۴۷	۵۰۸۶۰	تعداد کل فارغ التحصیلان
۹۰۱۰	۸۰۵۲	دانشجوی فوق دیپلم
۲۴۱۲۵	۲۳۰۰۷	فارغ التحصیل فوق دیپلم
۱۹۲۳۰	۱۵۷۴۶	دانشجوی لیسانس
۲۸۰۷۸	۲۴۶۶۳	فارغ التحصیل لیسانس
۱۲۳۰	۱۰۰۸	دانشجوی فوق لیسانس
۲۷۳۲	۲۵۷۳	فارغ التحصیل فوق لیسانس
۹۴	۷۵	دانشجوی دکترا و فوق دکترا
۶۱۲	۵۶۵	فارغ التحصیل دکترا و فوق دکترا
۱۵	۱۴	جمع مؤسسه
۲۲۶۵	۲۱۸۵	تعداد تخت
۶۱۵	۶۰۲	تعداد خانه‌های بهداشت روستایی
۹۸۶	۹۶۶	تعداد بهورز خانه‌های بهداشت روستایی
۲۰۰۳	۲۰۱۰	روستاهای برخوردار
۴۹	۴۰	آزمایشگاه
۱۳۰	۱۱۰	داروخانه
۳۴	۲۷	پرتونگاری
۴۵	۴۳	توانبخشی
۳۸	۳۷	عمومی
۱۴	۱۳	کانون پرورش
۱۵	۱۸	دانشگاه
۳۶۴۱۱۷	۴۲۴۳۱۵	عمومی
۱۱۹۰۵۸	۱۲۵۴۰۹	کانون پرورش
۲۱۳۸۵۶	۲۰۱۳۹۳	دانشگاه
۲۷	۲۴	زمین
۷۶	۵۵	سالن
۱۳	۵	استخر
۱۱	۱۰	پیست
۳	۳	زورخانه

تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان مناطق شهری

تعداد مؤسسات درمانی و امکانات پزشکی

تعداد کتابخانه

تعداد کتاب

تعداد تأسیسات ورزشی

ادامه جدول ۱. مختصات توسعه اقتصادی - اجتماعی استان کردستان به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده	
۱۳۸۷	۱۳۸۴		
۱۹۰۴۰۸	۱۴۹۹۴۶	خانوار دارای آب بهداشتی	آب و فاضلاب
۱۷۵۲۷۵	۱۵۲۲۸۰	خانوار دارای سیستم دفع فاضلاب	
۱۸۸۰	۱۷۳۲	تعداد روستای دارای برق	برق روستایی
۱۲۶۸۶۸	۱۲۱۹۷۷	تعداد افراد تحت پوشش	
۰	۰	تعداد تونل	
۱۶۴۵	۱۳۹۸	پل زیر ۱۰ متر	راه و حمل و نقل
۷۸	۷۳	پل ۱۰ تا ۲۰ متر	
۵۹	۵۲	۲۰ متر به بالا	
۱	۱	تعداد راهدارخانه	
۴۶۰۱۳	۱۱۸۱۲۹	نفرات تحت پوشش خدمات درمانی	خدمات حمایتی کمیته امداد
۸۶۶۹۵	۷۵۵۵۵	تعداد مددجویان (دائمی)	
۲۸۸۸۸	۱۸۲۱۵	تعداد مددجویان (موردی)	
۲۰۴۶۵	۲۱۱۱۸	خدمات آموزشی فرهنگی (مورد)	
۳۲۲۹	۷۱۵	اعطای وام خودکفایی (مورد)	
۶۴۹۷	۳۷۸۳	اعطای وام قرض الحسنه (مورد)	
۱۳/۱	۱۸/۱	زنان شهر	نرخ بیکاری
۱۲/۳	۱۴/۱	مردان شهر	
۸/۱	۱۵/۱	زنان روستا	
۱۱/۱۲	۱۳/۱	مردان روستا	
۴۱۸۰۸۷	۳۲۹۶۳۰	تلفن ثابت	ضریب نفوذ تلفن
۳۷۹۵۶۷	۸۳۰۴۸	تلفن همراه	

براساس جدول ۱، از ۱۶۷۸ روستای استان کردستان، ۱۰۵ روستا و از ۳۳ شهر آن، یازده شهر امکان مصرف گاز دارند. در سال‌های ۸۷-۱۳۸۴ تعداد ۸۱ روستا گازرسانی شده‌اند، در همین مدت ۵ شهر نیز به شهرهای مجهز به گاز افزوده شده است که نشان‌دهنده توجه ویژه به گازرسانی به روستاها در این مدت است.

همچنین در سه سال نامبرده، ۴ کارگاه در استان کردستان تأسیس شد که بیشترین رشد آن درباره کارگاه‌های ۴۹-۱۰ نفر کارگر بوده است. در مقابل تعداد کارگاه‌های با بیش از ۵۰ کارگر کاهش یافته است.

تعداد دانشجویان از حدود ۲۵ هزار نفر در سال ۸۴ به ۲۹ هزار و پانصد نفر در سال ۸۷ رسیده است. رشد تعداد فارغ‌التحصیلان نیز تقریباً همین روند را داشته است. بیشترین افزایش دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در مقطع لیسانس بوده است. رشد این شاخص در دوره بررسی شده سرعتی ملایم داشته است.

همچنین در این مدت، ۱۳ خانه بهداشت روستایی در این استان تأسیس شد. اما روستاهای شامل خدمات بهداشتی کاهش یافته است. تعداد پزشک عمومی و متخصص استان نیز در این مدت کاهش یافته است.

تعداد کتابخانه و کتاب‌های استان در این دوره کاهش داشته است. اما تعداد تأسیساتی مانند زمین ورزش، سالن، استخر و پیست با رشدی ملایم و متناسب با پیش‌بینی‌ها در این دوره مواجه بوده است.

لوله‌کشی آب بهداشتی از حدود ۱۵۰ هزار در سال ۸۴ به بیش از ۱۷۵ هزار در سال ۸۷ رسیده است و در این مدت ۲۵ هزار خانوار دیگر نیز به آمار نامبرده افزوده شده است. همچنین در این مدت ۲۳ هزار خانوار به دارندگان تجهیزات دفع بهداشتی فاضلاب اضافه شده‌اند. در دوره سه‌ساله، نزدیک به ۱۵۰ روستا برق‌رسانی شدند و از ۵۸۵ هزار جمعیت روستایی استان حدود ۱۲۲ هزار در سال ۸۴ و ۱۲۶ هزار در سال ۸۷ برخوردار از شبکه برق بوده‌اند. یعنی در این مدت ۴ هزار روستایی صاحب برق شده‌اند. آمار خدمات راه و حمل‌ونقل نشان می‌دهد در این مدت ۲۴۷ پل کمتر از ۱۰ متر، ۵ پل ۲۰-۱۰ متر و ۷ پل ۲۰ متر به بالا در استان احداث شده است.

در شاخص خدمات بهداشتی و درمانی کمیته امداد، ۷۲ هزار نفر در سال‌های بررسی شده، از شمول بیمه درمانی خارج شده‌اند؛ اما تعداد مددجویان نزدیک به ۱۱ هزار نفر افزایش داشته است. خدمات فرهنگی این نهاد کمتر اما پرداخت وام خودکفایی ۴ برابر و وام قرض‌الحسنه دو برابر شده است.

نرخ بیکاری زنان ساکن شهر در سال ۸۷ ۵ درصد و در روستا ۷ درصد کاهش داشته است. در همین سال نرخ بیکاری مردان شهر و روستا حدود ۲ درصد کاهش یافته است. نزدیک به ۹ هزار تلفن ثابت و ۳۰۰ هزار تلفن همراه در سه سال نامبرده واگذار شده است.

براساس آمار، شاخص‌های نامبرده در استان کردستان، در دوره بین سال‌های ۸۷-۸۴ کمابیش رشد داشتند. درباره مشارکت انتخاباتی در این استان، در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، مشارکت مردم کردستان ۳۷/۳ درصد بوده است؛ درحالی که میانگین کشور ۷۶ درصد بوده است. از مجموع شرکت‌کنندگان در استان کردستان، ۲۸ درصد به کروی، ۲۳ درصد به معین، ۱۴ درصد به هاشمی، ۱۲ درصد به قالیباف و ۵ درصد به احمدی‌نژاد رأی دادند. در دور دوم انتخابات نهم، درصد مشارکت به ۲۴ درصد کاهش یافت (میانگین کشور ۷۵ درصد) که ۴۹ درصد به احمدی‌نژاد و ۴۲ درصد به هاشمی رأی دادند. ۹ درصد آرا نیز بی‌اعتبار اعلام شد.

در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم ۵۴ درصد واجدین شرایط رأی‌دادن در کردستان پای صندوق‌ها رفتند که نسبت به دور اول انتخابات نهم ۱۷ درصد افزایش داشته است. میانگین مشارکت در کشور ۸۴ درصد گزارش شد. از مجموع رأی‌دهندگان، ۵۱ درصد به احمدی‌نژاد، ۴۲ درصد به موسوی، ۳ درصد به کروی و ۱ درصد نیز به رضایی رأی دادند. بنابراین فرضیه پژوهش درباره استان کردستان درست است و میزان توسعه در استان باعث افزایش مشارکت در انتخابات شده است.

بر این اساس در صورت اعتماد به آمار، درخواست‌های قومی کردستان با توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل می‌شود. با وجود پیشواز این استان از نامزدهای اصلاح‌طلب دور نهم، توسعه شاخص‌های اقتصادی به تغییر اولویت‌های آنان انجامیده است. اما مبنایی برای جایگزینی خواست‌های اقتصادی با سیاسی و فرهنگی به لحاظ نظری یا تجربی وجود ندارد و این حکم برای رد یا اثبات به پژوهشی جداگانه نیازمند است.

آذربایجان شرقی

آذربایجان شرقی نیز یکی از استان‌های قومی و کانون تمرکز قوم ترک در ایران به‌شمار می‌آید. تحركات قومی این استان بر بنیاد زبان و فرهنگ ترک استوار است. اما به لحاظ مذهبی ساکنان این استان شیعه هستند و از این نظر فاصله‌ای با حکومت مرکزی ندارند؛ بنابراین شکاف اجتماعی مبتنی بر تفاوت قومی است و نه مذهبی.

جدول ۲. مختصات توسعه اقتصادی اجتماعی استان آذربایجان شرقی به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده
۱۳۸۷	۱۳۸۴	
۴۷	۴۶	تعداد شهرهای گازرسانی شده
۴۲۷	۳۴۵	تعداد روستاهای گازرسانی شده
۹۹/۹	۹۹/۵	ضریب نفوذ در استان به درصد
۹۸/۹	۹۸/۵	ضریب نفوذ در کشور به درصد
۴۲/۱	۲۷	ضریب نفوذ در استان به درصد
۲۳/۵	۱۸	ضریب نفوذ در کشور به درصد
۹۳/۹	۸۶/۲	ضریب نفوذ در استان به درصد
۹۰/۳	۸۹/۱	ضریب نفوذ در کشور به درصد
۷۰	۶۶	ضریب نفوذ در استان به درصد
۶۶/۴	۶۳	ضریب نفوذ در کشور به درصد
۸۸/۸	۷۶	ضریب نفوذ در استان به درصد
۷۱	۵۸	ضریب نفوذ در کشور به درصد
۰/۷	۰/۷	ضریب نفوذ در استان به درصد
۱	۰/۲	ضریب نفوذ در کشور به درصد
۳۸/۸	۲۶/۷	ثابت
۲۹/۴	۱۱/۱۹	همراه
۱۴۱۳۲۴	۱۳۸۸۲۹	جمع شاغلان
۳۳۲۱۳	۳۴۱۵۳	تعداد کل کارگاه‌ها
۳۲۲۵۷	۳۲۱۳۶	۹-۱ نفر
۶۷۶	۸۳۸	۱۰-۴۹ نفر
۲۰۰	۹۲	۵۰-۹۹ نفر
۸۰	۸۷	۱۰۰ نفر و بیشتر
۰/۸۳	۰/۸۲	کل استان
۱۷۳۲۰۳	۱۱۹۲۶۶	تعداد دانشجویان
۲۰۴۲۶	۱۴۹۸۷	تعداد فارغ‌التحصیلان
۴۱۸	۴۰۸	جمع مؤسسه
۴۸۳۱	۴۵۳۸	تعداد تخت
۱۰۷۳	۱۰۶۱	تعداد خانه‌های بهداشت روستایی
۲۴۰	۲۲۰	آزمایشگاه
۴۴۱	۴۱۴	داروخانه
۱۰۰	۸۲	پرتونگاری
۸۶	۷۳	توانبخشی
۱۰۵۱	۱۰۲۸	پزشک متخصص

تعداد کارگاه‌های صنعتی به تفکیک تعداد کارگر

نرخ باسوادی

تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مناطق

تعداد مؤسسات درمانی و امکانات پزشکی

ادامه جدول ۲. مختصات توسعه اقتصادی اجتماعی استان آذربایجان شرقی به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده	
۱۳۸۷	۱۳۸۴		
۱۱۰	۱۰۷	تعداد کتابخانه عمومی	کتابخانه
۵۷۷۹۷	۶۴۶۶۳	تعداد اعضا	
۲۷۲۴	۲۴۶۱	تعداد روستای دارای برق	برق روستایی
۲۰۱	۳۹	طول آزاد راه	
۱۹۲	۱۱۸	طول بزرگراه	
۹۲۳	۸۶۷	راه‌های اصلی	راه و حمل و نقل
*۱۶۳۴	۱۹۳۱	راه‌های فرعی	
۵۷۷۲	۵۲۱۲	راه روستایی	
۸۲۲۲۰	۳۸۷۵۰	کل افراد تحت پوشش	
۳۴۷۰۰	۳۲۴۵۰	خدمات آموزشی فرهنگی (مورد)	خدمات حمایتی کمیته امداد
۲۷۷۴	۱۸۴۵	اعطای وام خودکفایی (مورد)	
۱۱۱۲۶	۵۳۷۰	اعطای وام قرض‌الحسنه (مورد)	
۱۰/۱	۷/۳	شهر	
۴/۳	۰/۹	روستا	نرخ بیکاری
۵/۳	۴/۷	مردان	
۱۱/۶	۴/۲	زنان	

* به نظر می‌رسد اختلاف دو دوره به علت تغییر معیار است.

بر اساس جدول ۲، نرخ بیکاری استان از متوسط کشوری پایین‌تر است اما نرخ بیکاری این استان در سه ساله بررسی شده افزایش یافته است. بیشترین افزایش نرخ بیکاری مربوط به روستا است که چهار برابر شده است. در تأیید آن گفته می‌شود که در این مدت نزدیک به هزار کارگاه در این استان تعطیل شده است.

طول راه‌های استان اعم از آزادراه، بزرگراه، راه اصلی و فرعی و همچنین راه روستایی افزایش داشته است. آمار راه‌های فرعی استان در دوره بررسی شده کاهش یافت که به نظر می‌رسد اتصال یا تبدیل آن به راه‌های اصلی یا بزرگراه علت این تفاوت آمار است. در این مدت همچنین ۱۰۰ هزار مشترک به شبکه برق پیوسته‌اند. حدود ۲۶۰ روستا برق‌رسانی و به ۷۸ روستا گازرسانی شده است.

براساس این آمار ضریب نفوذ امکاناتی نظیر برق، گاز، آب، حمام و تلفن در روستاهای استان افزایش داشته است. همچنین در این دوره میزان باسوادی ۱ درصد افزایش داشته و بیش از ۵۲ هزار نفر به دانشجویان استان اضافه شده است. البته تعداد دانشجویان زن در این دوره کاهش داشته است.

مؤسسات بهداشتی نیز با شیب ملایم و پیش‌بینی‌شده افزایش داشته است. بیشترین افزایش در شاخص‌های ارزیابی‌شده به افراد پوشش‌داده شده از سوی کمیته امداد تعلق دارد. تعداد افراد این نهاد از ۳۸ هزار در سال ۸۴ به ۸۲ هزار در سال ۸۷ رسیده است. میزان پرداخت وام قرض‌الحسنه از ۵ هزار نفر در سال ۸۴ به ۱۱ هزار در سال ۸۷ رسیده است. اما افرادی که از این نهاد خدمات فرهنگی و آموزشی دریافت کرده‌اند فقط ۲ هزار نفر افزایش داشته است. درباره کتابخانه‌ها نیز تعداد اعضا، تعداد کتاب و نسبت کتاب به اعضا کاهش داشته است.

این استان در مقایسه با سایر استان‌های قومی وضعیت بهتر و مناسب‌تری داشت. جز بیکاری که افزایش داشته است؛ شاخص‌های خدماتی و حمایتی افزایش داشته است. مشارکت کل استان در دور اول انتخابات نهم ۵۱ درصد و در دور دوم ۴۶ درصد بوده است. در انتخابات دهم مشارکت استان ۸۱ درصد بوده است. در نسبت نامزدهای مورد توجه در دور اول انتخابات نهم مهرعلیزاده ۲۷ درصد آرا را به خود اختصاص داد. هاشمی با ۱۹ درصد آرا دوم و احمدی‌نژاد با ۱۴ درصد سوم شدند. در دور دوم انتخابات نهم نیز احمدی‌نژاد با ۶۵ درصد در این استان برگزیده شد. در انتخابات دهم احمدی‌نژاد ۵۶ درصد و موسوی ۴۱ درصد آرا را به خود اختصاص دادند.

با توجه به نتایج، فرض ارتباط توسعه اقتصادی - اجتماعی و افزایش میزان مشارکت در این استان تأیید می‌شود. اما در بررسی میزان مشارکت باید در نظر داشت که میزان مشارکت کل کشور در انتخابات دهم بالا بوده است. مشارکت در دور نهم ۶۶ درصد بوده است و در انتخابات دهم به ۸۵ درصد افزایش یافته است. متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت بسیارند که توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی یکی از آنهاست. در نتیجه‌گیری به برخی شاخص‌های دیگر نیز اشاره خواهیم کرد.

سیستان و بلوچستان

سیستان و بلوچستان از جمله استان‌های کشور است که بیشتر ساکنان آن سنی و حنفی مذهب هستند. مبنای خواست‌های قومی استان، تفاوت مذهبی است. بلوچ‌ها به لحاظ قومی خود را ایرانی و از نژاد آریایی می‌دانند و قوم فارس را «دیگری» نمی‌پندارند، اما عقیده دارند حکومت جهت‌گیری مذهبی دارد و مسائل را با تبعیض مذهبی ارزیابی می‌کند (عبداللهی، عثمان بر، ۱۳۸۱؛ هوشمند، فرهادی، ۱۳۸۷).

جدول ۳. مختصات توسعه اقتصادی - اجتماعی استان سیستان و بلوچستان به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده
۱۳۸۷	۱۳۸۴	
۷۳۳۲	۲۸۰۹	مستمری بگیر (خانوار)
۴۰۸۸۴	۱۰۸۷۰	مستمری بگیر (افراد)
۹۰۱	۸۵۹۷	معتادان پوشش داده شده
۶۷۴۹	۳۸۵۳	معلولان پوشش داده شده
۵۰	۵۰	سالمندان پوشش داده شده
۱۵۲۲۹	۱۳۷۸۸	تعداد کل (نفر)
۵۶۳۵۹	۴۷۱۰۷	جمع
۱۲۰۸۷	۸۰۴۷	فوق دیپلم
۴۰۲۳۴	۳۶۰۱۹	لیسانس
۴۰۳۸	۳۰۴۱	فوق لیسانس و بالاتر
۵۱	۴۱	مؤسسه
۴۶۵	۳۸۶	تخت
۲۱۴	۲۱۴	خانه‌های بهداشت روستایی
۱۹	۱۸	آزمایشگاه
۶۳	۵۰	داروخانه
۷	۶	پرتونگاری

ادامه جدول ۳. مختصات توسعه اقتصادی - اجتماعی استان سیستان و بلوچستان به تفکیک سال

سال بررسی		موضوع بررسی شده	
۱۳۸۷	۱۳۸۴		
۴۹	۴۹	عمومی	
۴۹۰۹۶	۴۹۰۹۶	کتاب	کتابخانه
۱۸ هزار	۹۸ هزار	تعداد کتاب‌های منتشره	برق
۴۶۱	۴۲۵/۵	مشترکین به هزار	راه
۷۰	۷۲	درصد روستاهای برق‌رسانی شده	
۱۷۵۹	۱۷۵۹	طول راه‌های اصلی (کیلومتر)	
۴۰۳۷	۴۰۳۷	طول راه‌های فرعی آسفالت‌ه (کیلومتر)	
۴۵۸۵	۴۵۷۱	طول راه‌های آسفالت‌ه روستایی (کیلومتر)	
۲۹۳۴۶	۲۷۶۱۵	طول راه‌های شوسه روستایی (کیلومتر)	
۵۰۹۰۲	۵۰۴۷۰	خدمات درمانی (نفر)	
۱۷۶۷۹۰	۱۷۷۴۶۰	مددجویان (نفر)	
۱۱۹۵۷۷	۱۱۷۰۲۷	طرح شهید رجایی	نهادهای حمایتی (کمیت‌ه امداد)
۵۴۱۲۰	۵۱۶۶۶	زنان سرپرست خانوار	نرخ بیکاری
۱۰/۷	۷/۷	زن	(درصد)
۱۳/۹	۱۳/۲	مرد	
۹/۴	۱۴/۹	شهر	
۱۸/۴	۸/۶	روستا	
۶۱/۵ برآورد	(سال ۸۵) ۶۱/۴	زن	نرخ باسوادی
۷۵/۶ برآورد	(سال ۸۵) ۷۴/۴	مرد	
۱۶/۱	۱۵/۴۰	ثابت	ضریب نفوذ تلفن
۲۵/۴	۱۸/۲۶	همراه	

در مدت سال‌های ۸۷-۸۴، مستمری‌بگیران به‌زیستی از ۱۰ هزار به ۴۰ هزار نفر رسیده و چهار برابر شده است. تعداد معتادان از ۸ هزار به ۹۰۰ نفر کاهش یافت. معلولان پوشش داده شده از ۳۸۰۰ به ۶۷۰۰ نفر افزایش یافته است.

افراد برخوردار از بیمه تأمین اجتماعی فقط ۲ هزار نفر افزایش داشته است و افراد پوشش داده شده کمیت‌ه امداد نیز افزایش چندانی نداشته است. جمع دانشجویان استان ۱۰ هزار

نفر افزایش داشت که بیشترین آن در مقطع کارشناسی بوده است. در این مدت همچنین ۸۰ تخت به ظرفیت بهداشتی کل استان اضافه شده است. شمارگان، عنوان و تعداد کتاب‌های استان همانند سایر استان‌ها کاهش داشته است^۱.

درباره خدماتی مانند برق، با وجود افزایش تعداد مشترکین، اما درصد روستاهای برق‌رسانی شده کاهش یافته است. طول راه‌های مختلف استان به جز راه روستایی شوسه، تفاوتی نکرده‌اند. با این وجود میزان بیکاری در استان افزایش داشته است؛ نرخ بیکاری در روستا از ۸ درصد به ۱۸ درصد افزایش یافته است.

میزان باسوادی زنان ۶۱ درصد و برای مردان ۷۵ درصد است یعنی حدود ۴۰ درصد زنان استان بی‌سوادند و این عدد برای شهر و روستا تفاوتی ندارد.

میزان مشارکت واجدین شرایط رأی‌دادن حدود ۷۴ درصد در دور اول انتخابات سال ۸۴ و ۶۳ درصد در دور دوم انتخابات بوده است. میزان مشارکت در این استان در انتخابات دهم، ۷۵ درصد ثبت شده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد فرضیه پژوهش در این استان تأیید نمی‌شود.

اگرچه فقدان توسعه شاخص‌ها، متناسب با کاهش مشارکت است اما با توجه به سنی مذهب بودن بیشتر ساکنان این استان و معیار بودن مذهب در مواجهه با وقایع ملی، منجر می‌شود که در انتخابات نیز بر این اساس شرکت کنند. بنابراین نامزدهایی با مرزبندی مذهبی کم‌رنگ‌تر را انتخاب می‌کنند و سایر معیارها از جمله شاخص‌های توسعه در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. در انتخابات نهم بیشترین آرا این استان به ترتیب به آقایان معین، هاشمی و کروبی تعلق داشته است و در انتخابات دهم نیز بیشترین آرا (۵۳ درصد) به موسوی اختصاص یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس بررسی نتایج و مقایسه آنها می‌توان گفت الگوی مشارکت اقوام در انتخابات بر مبنای توسعه سخت‌افزاری نیست، بلکه هر قوم با توجه به ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی خود

۱. کاهش کتاب و کتابخانه در این مدت در استان‌های مورد بررسی مسأله‌ای است که تحقیق مستقلاً را اقتضا می‌کند.

رفتار می‌کند. در کردستان با وجود تناسب افزایش شاخص‌ها و میزان مشارکت، نتیجه می‌گیریم که شکاف قومی کردها با جریان غالب هویتی کشور با توسعه اقتصادی - اجتماعی جبران‌شدنی است. پس کردستان در مدار جاذبه حکومت مرکزی و هویتی ایران سیاسی - فرهنگی قرار می‌گیرد و از افزایش شکاف جلوگیری می‌شود. در سطحی دیگر اگر نامزدهای انتخابات را نماینده جایگاه اقوام در کشور بدانیم، استقبال کردها از هر یک از این نامزدها ممکن است جهت‌گیری و اظهارنظر آنها درباره این نماینده باشد. در انتخابات نهم تفکر موسوم به اصلاح‌طلبی که مبنای تکرر سیاسی و به رسمیت‌شناختن هویت‌های قومی و نفی تبعیض قومی - مذهبی بود پذیرش بیشتری داشت. در دور دوم انتخابات نهم، الگوی مشارکت متأثر از برخی تحولات مقطعی و موضع منفی به نامزد رقیب احمدی‌نژاد قرار گرفت و روند به نفع احمدی‌نژاد رقم خورد. در انتخابات دهم نیز، احمدی‌نژاد در شهرهای شیعه کردستان پیروز بود، اما در شهرهای سنی‌نشین که هویت قومی - مذهبی نیرومندتر است نامزد رقیب، آرای بیشتری به دست آورد. با وجود میزان مشارکت این استان (پایین‌تر از متوسط کشوری است) فقط توجه به توسعه اقتصادی دقیق نخواهد بود؛ از این‌رو استان کردستان گزینه‌ای خاص است که توجه بیشتری نیاز دارد. بر مبنای نتایج این پژوهش به اهمیت توسعه اقتصادی در متعادل‌شدن خواست‌های قومی در این استان پی می‌بریم.

در آذربایجان شرقی که در این تحقیق کانون تحولات قوم ترک در نظر گرفته شده است، الگوی مشارکت متأثر از عوامل گوناگونی است. در این استان عوامل مرکزستیزی بیشتر است و شکاف بر اساس مرزبندی میان ترک فارس تعریف می‌شود. البته کانون تحولات قومی کاملاً منطبق بر تقسیمات استانی نیست؛ بنابراین درباره قوم ترک و کرد، باید استان آذربایجان غربی نیز با ترکیب ترک و کرد مدنظر قرار گیرد. آذربایجان شرقی هم‌مذهب با حکومت مرکزی است و با آن فاصله‌ای ندارد و مرزبندی آن بر تفاوت زبانی - فرهنگی استوار است.

درباره سیستان و بلوچستان که شکاف مذهبی در آن پررنگ‌تر است، مشارکت متأثر از شاخص‌های توسعه‌ای موضوع پژوهش نیست و عامل مذهب جایگاه مهمتری دارد. مذهب عامل اصلی فاصله بلوچ‌هاست نه حکومت مرکزی فارس. چنانچه در بررسی الگوی انتخاب نامزدها در شهرهای این استان دیده می‌شود، در شهرهای سنی‌نشین با اکثریت بلوچ‌ها (مانند

ایران‌شهر، سرباز، سراوان و خاش) نامزدهای حامی تکثر مذهبی موسوم به اصلاح‌طلب، آرای بیشتری به‌دست آوردند.

باتوجه به نتیجه پژوهش، عوامل قومی درباره اقوام مختلف ایران از الگوی واحدی پیروی نمی‌کند و در هر یک شاخص‌های اثرگذار متأثر از خواست‌های قومی تفسیر می‌شود. برای نمونه در استان آذربایجان شرقی که به لحاظ شاخص‌های توسعه در بسیاری موارد از متوسط کشوری جلوتر است، با این حال بخش عمده‌ای از خواست‌های قومی مبتنی بر تبعیض اقتصادی بین ترک و فارس است. نزد بلوچ‌ها جهت‌گیری مذهبی حکومت عامل تفاوت است؛ درباره کردستان مذهب با شکاف قومی عامل مهم اختلاف است^۱. نکته اینکه مرکز خواست‌های قوم‌گرایانه در استان‌های نامبرده در برخی شهرها متمرکز است و باید تحولات قومی با توجه بیشتر به وضعیت این شهرها مبتنی باشد. به برخی از این شهرها اشاره شده است، اما بررسی اصولی و کامل‌تر به منابع و آمار دقیق‌تری نیاز دارد که برخی از آنها براحتی به‌دست نمی‌آیند. این پژوهش بر عوامل اقتصادی - اجتماعی متمرکز دارد، اما سایر شاخص‌های فرهنگی نیز در بررسی قومیت در ایران اهمیت فراوانی دارد. ممکن است بررسی اقوام از دیدگاه فرهنگ مکمل این پژوهش باشد و به نتایج دقیق‌تری منجر شود. در شاخص‌های بررسی شده استان‌ها در این پژوهش، شاخص‌های فرهنگی مانند کتابخانه، شمارگان کتاب و مطبوعات کاهش داشت. بنابراین نتیجه می‌گیریم که دولت نهم توجه کمتری به فرهنگ داشته است و همین موضوع در مواجهه با اقوام و مسائل آنها ناتوانی یا عیب تلقی می‌شود. از دیدگاه فرهنگی، هویت یکی از خواست‌های اساسی اقوام در ایران است و بخش عمده‌ای از تحرکات آنان مبتنی بر این استدلال

۱. در پژوهشی براساس تحلیل محتوای نشریات دانشجویی قومی کشور که نگارنده به همراه آقای هوشمند (محقق قومیت در ایران) انجام داد، ترک‌ها احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر قوم‌گرایی فارس داشتند و بلوچ‌ها تفاوت خود را در عامل مذهب بیان می‌کردند. کردها هر دوی این عوامل را مدنظر داشتند و تفاوت‌های اقتصادی را نوعی تبعیض قومی - مذهبی می‌دانستند. کردها «غیر» خود را حکومت مرکزی، بلوچ‌ها حکومت دینی و ترک‌ها حکومت فارس می‌دانستند. کردها خواهان خودمختاری، ترک‌ها سهم بیشتر از امکانات و قدرت حکومتی و بلوچ‌ها رفع تبعیض مذهبی را دنبال می‌کردند. بنابراین رویکرد ترک‌ها به مسئله خود با حکومت مرکزی بیشتر اقتصادی و کردها و بلوچ‌ها بیشتر فرهنگی و مذهبی بود. چارچوب فرهنگ و هویت قومی البته پس‌زمینه مشترک همه خواست‌های قومی در این تحقیق بود. از این رو در این پژوهش، تحولات اقتصادی و توسعه‌ای در استان‌های قومی نیز متأثر از شاخص‌های فرهنگی ارزیابی می‌شود.

است. در واقع معیار مواجهه اقوام با مسائل، قومی است؛ بنابراین همه پدیده‌ها را با توجه به فهم خود (قومی) از مسائل تفسیر می‌کنند. رویکرد قومی میان ترک‌ها بیشتر فرهنگی و نزد کردها و بلوچ‌ها بیشتر مذهبی است؛ یعنی تبعیض فرهنگی و مذهبی. با توجه به نتایج پژوهش، توسعه اقتصادی نزد اقوام نسبت به عوامل فرهنگی در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ نه به این معنا که تبعیض اقتصادی را احساس نمی‌کنند، بلکه تبعیض اقتصادی را در سایه تبعیض فرهنگی و هویتی تفسیر می‌کنند. بلوچ‌ها برخلاف ترک‌ها، با وجود سطح توسعه اقتصادی بسیار نامناسب، در انتخابات همواره درصد بالا و نزدیک به متوسط مشارکت کشوری را دارند؛ اما معیار انتخاب آنان رویکرد فرهنگی نامزدهاست نه برنامه اقتصادی. از این رو و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، چگونگی مشارکت اقوام ایران می‌بایست در کنار سایر پدیده‌ها و شرایط و شاخص‌های خاص هر قوم بررسی شود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه فیروزمند، تهران: نشر مرکز.
 - آبرکرامبی، ن و همکاران (۱۳۶۷)، *فرهنگ جامعه شناسی*، ترجمه پویان، تهران: چاپخش.
 - احمدی، حمید (۱۳۷۸)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، تهران: نشر نی.
 - الطائی، علی (۱۳۷۸)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.
 - بدیع، برتران (۱۳۷۶)، *توسعه سیاسی*، ترجمه نقیب زاده، تهران: انتشارات قومس.
 - راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
 - رواندی، مرتضی (۱۳۵۷)، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴)، «پارادایمی نو در هویت ملی با تأکید بر پراکنش فضایی اقلیت‌ها در ایران»، در *مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت‌های رشد و توسعه در ایران*، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
 - زیباکلام، صادق (۱۳۷۸)، «میزگرد همبستگی ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱: ۲۵-۴۱.
 - شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)، *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران: انتشارات باز.
 - عبد‌الهی، محمد و حسین‌بر، محمدعثمان (۱۳۸۱)، «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴: ۲-۲۶.
 - فوران، جان (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
 - مرشدی‌زاده، علی (۱۳۷۹)، «بقا یا زوال قومیت‌ها در عصر جهانی‌شدن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۶: ۶۲-۸۵.
 - هوشمند، احسان و فرهادی، محمد (۱۳۸۷)، *تحلیل گفتمان نثریات دانشجویی قوم‌گرا*، دفتر اجتماعی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- Almond, Gabriel & Verba, Sydney (1965) , **A Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations**, Princeton, NJ: Princeton University Press.
 - Campbell, Donald T, & Stanley, Julian C (1963) , **Experimental and Quasi-Experimental Design for Research**, Boston: Houghton Mifflin Company.
 - Dahl, Robert (1971) , **Polyarchy: Participation and Opposition**, NewHaven: Yale University Press.
 - Freedman, Amy L (2000) , **Political Participation and Ethnic Minorities**, London: Routledge.
 - Gill, G (2000) , **The Dynamic of Democratization**, USA: St, Martin Press.
 - Guilhot, Nicolas (2005) , **Democracy Makers**, New York: Colombia University Press.
 - Hardin, Russel (2001) , **Participation**, Encyclopedia of Democracy Thought, Paul Barry Clark & Joe Forweraker, London: Routledge.
 - Jupp, Victor (2006) , **The Sage Dictionary of Social Research Methods**, London: Sage.

- Krishna, Anirudh (2008) , **Poverty, participation and Democracy**, London: Cambridge University Press.
- Lerner, Daniel (1958) , **The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East**, New York: Free Press.
- Malesevic, Sinisa (2006) , **Identity as Ideology: Understanding Ethnicity and Nationalism**, London: Palgrave.
- Utter, Glenn H & True, James L, (2004) , **Conservative Christian and Political Participation**, Oxford: ABC.
- Verba, Sydney and Nie, N, (1972) , **Participation in America: Political Democracy and Social Equality**, New York: Harper Row.